

و آیه الله دستغیب شرازی ، از حضرت امام جعفر صادق روایت میکنند که : " علی علیه السلام هنگام ازدواج با حضرت فاطمه فقط یک زره و یک شتر داشت ، و آن زره را فروخت تا خرج عروسی را تأمین کند (متن حدیث در صفحه ۵۶۷) .

با وجود این " اصول کافی " در حدیثی نقل از همین حضرت امام جعفر صادق (متن حدیث در صفحه ۵۶۸) که آیه الله العظمی بروحردی نیز آنرا در حواهر الکلام خود تأیید کرده است ، روایت دارد که : حضرت امیر المؤمنین علیه السلام در هنگام نماز اکتبر خود راسه سائلی صدقه داد ، و این انگسری وزن حلفدش چهار منقال نقره و وزن نگینش بیح منقال باقوت سرج بود کسسه فممن حراج یکاله کشور نام بوده است . (کدسه از جالب بودن متن حدیث ، توجه به تصویری که ثقة الاسلام کلینی از مقدار خراج سالانه نام ، کشور املسی امپراتوری بنماور اسلام داشته ، نیز بسیار حالت است) . و " تحارب السلف " منویسد که : علی علیه السلام در شهر ینیع اراضی و املاک بسیار داشت و صاحب نخلستانی بود که سالانه چهل هزار دینار درآمد آن بود . و این حزم در " الفصل فی الملل واهواء و السحل " (جلد چهارم) تصریح میکند که : امیر المؤمنین علیه السلام نخلستانها و کستزارهای متعددی را به صدقه به محتاجان بخشید ، و البته این صدقات در برابر ثروت او اندک بود .

و استاد احمد آذری قمی ، اسناد النیات اسلامی ، طی یک سخنرانی تحقیقی در مدرسه فیضیه قم ، که متن آن در کتاب مالکیت اسلام نشریه جهاد سازندگی جمهوری اسلامی بجا بر رسیده مینویسد : " در سفینه البحار تصریح نده است که درآمد سالانه امیر المؤمنین علیه

السلام حیل هزار دینار یعنی تقریباً دو میلیون تومان به بول امروز بوده ، و حضرت فاطمه علیها السلام از فدک سالانه صدویست هزار دینار یعنی تقریباً شش میلیون تومان بول امروز در آمد داشته است . " در همین زمینه شرو و فخر ائمه ، " کافی " از ابراهیم بن موسی نقل میکنند که : از حضرت امام رضا طلبی داشتم که وصول آن امروز و فردا منند . بالاخره در یک ملاقات خصوصی با او عرض کردم که فریانت ، عیب بردیک است و من حتی در همی ندارم . آنوقت حضرت با تازیانه اش زمین را خراشید و از آنجا شمش طلائی برداشت و بمن داد و سفارش کرد که این را به کسی نگویم .

و نیز کافی از یکی دیگر از اصحاب روایت میکند که در خدمت حضرت امام رضا بودم که فرمود : ای غلام ، آفتابه ولکن بساور . سپس روی تخی نشست و به غلام فرمود آب بریز . و چون نگرستم دیدم که طلا از میان انگشانش در طنت میریخت . (ظاهراً در مکتب مومنین فیضیه یا طلا هم میشود دست نشست) . (متن حدیث در صفحه ۵۶۵) .

ولی در " بحار الانوار " (جلد یازدهم ، در حالات امام موسی علیه السلام) روایت است که : " امام موسی بن جعفر فرمود : هارون الرشید مرا احضار کرد و بر او وارد شدم . سلام کردم ، جواب سلام را نداد . فهمیدم که غضبناک است . معلوم شد که با او گفتند که حجاج آفاق از اهل شیعه نزد موسی بن جعفر میآید و به دست خلیفه میرسد . گفتم یا امیر المؤمنین ، قسم به کسی که محمد را به نبوت برانگیخته که هیچکس دیناری و درهمی از طریق خراج برای من نیاورده . ولی ما خانواده ابیطالب تنگدستیم و فشار زندگی بر ما سخت شده

است ، و چون صدقه بر ما حرام است هدیه قبول میکنیم .
 پرسید : یا ابا الحسن ، چند نفر نان خورداری ؟ گفتم
 از پانصد بیشترند . پرسید : همه بچه های توانند ؟
 گفتم : نه ، بیشترشان خدم و حشم (!) هستند . اما
 فرزندی ، زیاده از سی بسوزند از اینقرار ، و دختران
 نیز از اینقرار . پرسید : چرا دحیرها را به سب
 عموها بنان شوهر نمیدهی ؟ گفتم : بول جهیزیه آنها
 را ندارم . پرسید : قرض داری ؟ گفتم : قریب ده هزار
 دینار . گفت : غم مخور ، آنقدر بتو پول میدهم که
 پسران و دخترانت را همسر بدهی و قروضت را بپردازی .
 او را دعا کردم و گفتم : خدا امیر المؤمنین را برای ما
 یک مشب پسر عموها پیش باقی بدارد . " (متن حدیث در
 صفحه ۵۶۶) .

x x x

در " اصول کافی " از قول امام محمد باقر نقل
 شده است که : " خداوند از شیعیان ما آنگاه که هنوز
 دنیا نیامده بودند به ولایت ما اهل بیت پیمان
 گرفت ، و ارواح شیعیان بشمار ما را ۲،۵۰۰ سال پیش
 از بدنهایشان آفرید ، و همه ایشان را بر پیغمبر و علی
 و ما عرضه داشت و ما همه آنها را میشناسیم و از احوالشان
 آگاهیم " (متن حدیث در صفحه ۵۹۱) .

ولی در همین کتاب کافی از قول " سدید صیرفی "
 از فرزند همین امام محمد باقر روایت شده است که :
 " حضرت امام جعفر صادق در پاسخ سؤال من فرمود :
 ای سدید ، فکر میکنی شیعیان ما چه اندازه باشند ؟
 عرض کردم صد هزار ، بلکه دویست هزار ، بلکه هم نصف
 دنیا ، حضرت سکوت فرمود . سپس براه افتادیم تا به

زمین سرخ رنگی رسیدیم . حضرت بسوی جوانی که مشغول چراندن بزغاله های خود بود نگریست و فرمود : ای سدید ، بخدا اگر فکر میکردم که تعداد شیعیان من به شماره این بزغاله ها باشند ، خانه نشینی برابم روا نبود . و چون بزغاله ها را شمردم ۱۷ رأس بودید !
 (متن حدیث در صفحه ۵۹۵) .

x x x

در " اصول کافی " از امام جعفر صادق نقل شده است که : چون امام متولد شود ، از عرش با و ندا رسد که : ای فلان بن فلان ، تو برگزیده من و محل راز و صندوق علم و امین وحی من هستی و من علم اول و علم آخر را بتو عطا کردم (متن حدیث در صفحه ۵۲۷) . و باز از همان امام جعفر صادق نقل شده است که امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود : ما ائمه مرگ مردم و بلاها و نژادها و فصل الخطاب را از اول تا آخر میدانیم (متن حدیث در صفحه ۵۴۰) .

و در بصائر الانوار تصریح شده است که حضرت علی فرمود : من به ضمائر دلها آگاهم ، و اما ما ان فرزندان من نیز این علم را دارند هرگاه بدان اراده کنند (متن حدیث در صفحه ۵۴۱) .

با این وجود در جای دیگر همین کتاب " کافی " ، آمده است که : " سدید ، یکی از صحابه مستقیم حضرت امام جعفر صادق گفت : من و ابوبصیر و یحیای بزاز و داود بن کثیر در مجلسی نشسته بودیم که حضرت امام صادق علیه السلام با حالت خشم وارد شد ، و چون در مسند خویش قرار گرفت فرمود : تعجب میکنم از مردمی که گمان میکنند ما غیب میدانیم ، در حالیکه کسی جز

حدای عروحل غیب سمیداند . همیں امروز من میجو اسم
 کسر خودم را برنم ، اما او از من گریخت و من حنیسی
 ندانسم که در کدام اطاق منزل پنهان نده است " .
 (متن حدیث در صفحہ ۵۵۱) .

ابن حدیث کہ سہ جای دیگر نیز در کتاب کافی از
 راویان مختلف تکرار شدہ ، ظاہراً ماہہ در دسر محدثان
 سررگوار محملمد علامہ مجلسی رضوان اللہ علیہ
 را فراہم کردہ است ، بطوریکہ تاگزیر سده اند بگویند
 کہ : " ممکن است شنوندگان این فرمایش امام ، شیعیان
 ضعیف العقلی بودہ اند کہ باید از آنها تقیہ شدہ
 باند " . ولی ابن مفسران و شارحان بزرگوار ، بر اثر
 حل این مشکل مشکل دیگری را بوحود آورده اند ، و آن
 این است کہ اگر صحابہ دست اول و بواسطہ حضرت امام
 جعفر صادق و سایر ائمہ " شیعیانی ضعیف العقل و شایستہ
 تقیہ " بودہ اند ، تکلیف سایر مؤمنین تبعہ چہ میشود ؟

x x x

در حدیث معتبر " کافی " از امام محمد باقر در
 بارہ حکومت علی بن ابیطالب بر جن وانس روایت شدہ
 است کہ هنگامیکہ امیرالمؤمنین علیہ السلام بر منبر
 وعظ میکرد ، از دہائی داخل مسجد شد و سینہ کتان پیای
 منبر رفت و روی دم خود ایستاد و سلام کرد ، و چون خطبہ
 آن حضرت پایان یافت بہ ایشان عرض کرد کہ من عمرو
 بن عثمان (!) خلیفہ شما بر طایفہ جن ہستم ، و چون
 پدرم مردہ ، آمدہ ام تا از شما اجازہ جانشینی او را
 برای خلافت بر اجنہ بگیرم . آن حضرت اجازہ صادر
 فرمود ، و عمرو بن عثمان اجازہ مرخصی گرفت و بازگشت .
 و حضرت علی در پاسخ سؤال جابر رحمۃ اللہ علیہ فرمود

که بر احد واحد است خدمت ما باشد و دستور بگیرد .
(من حدیث در صفحہ ۵۷۳) .

ولی حدیث دیگری در بحار الانوار و حلیۃ المتقین ،
از قول امام جعفر صادق نقل میکند کہ : " جناب امیر
المؤمنین چاهی در خانه خود کنده بودند و حجر دادند
به آن جناب کہ حصار در آن چاه سنگ می اندازند ،
و از آنکند چاه معلوم شد آن حضرت اسیر بساک
ندارند . حضرت آمدند بر سر آن چاه و فرمودند : ای
قوم جن ، چرا ما را آزار میکنید ؟ ازین کار خود دست
بردارید وگرنه کیوتر در این چاه جامدهم " . (متن
حدیث در صفحہ ۷۸۸) .

x x x

در " اصول کافی " است کہ : حضرت صادق علیه
السلام فرمود " ما اهل بیت نبوت نخستین خاندانی
هستیم کہ خدا ناممان را بلند ساخت ، در همان هنگام
کہ آسمان و زمین را آفرید . و ما را از قسمت بالای
علیین آفرید و نور عظمت خویش را در ما جای داد . پس
ولایت ما را بر آسمان و زمین عرضه کرد ، و بر آبها و میوهها
و گلها و گیاهها و سنگها نیز عرضه کرد . و حضرت رضا
فرمود : روز قیامت ملک مقرب یا پیغمبر مرسل یا
مؤمنی باقی نمیماند کہ محتاج به شفاعت پیغمبر
آخر الزمان و ما فرزندان او نباشد . (ترکیبی از
حدیثهای مندرج در صفحات ۵۳۵ و ۵۴۰) .

ولی در همین " اصول کافی " در باره یکی از افراد
همین خاندان عصمت و نبوت ، فرزند مستقیم حضرت رضا
و برادر حضرت امام محمد تقی ، چنین آمده است :
" حسین بن الحسن الحسنی گوید کہ ابوالطیب

المنی بعقوب بن یاسر به من گفتم که منوکل (خلیفه
 عیسی) به اطرافیانش نکابت کرد که این ابن الرضا
 (امام محمد تقی) مرا خسته کرده است ، زیرا از
 میگاری با من سرباز میزند و نمیتوانم از این راه
 پناهدای برای تخفیف او نزد مردم بسازم . گفتند :
 منکلی نیست ، به سراغ برادرش موسی (موسی مرفوع
 فرزند حضرت امام رضا) برو که هم اهل سباز و آوار
 است ، هم می بخورد و هم عسقازی میکند . منوکل کس
 نزد او فرستاد و وی با به سامره خواند ، چون به
 نزدیک شهر رسید ، حضرت ابوالحسن علیه السلام که در
 محل پل و صیفیه انتظار او بود ، بوی سلام گفت و
 فرمود : مادام نزد منوکل اقرار کنی که شراب میآشامی ،
 که میخواهد ما را رسوا کند . اما موسی خواهش او را
 نپذیرفت و گفت خوش دارم که شراب بنوشم و ساز بسنوم
 و عسقازی هم بکنم . (متن حدیث در صفحه ۵۴۶ - سه
 احادیث مربوط به جعفر کذاب نیز مراجعه شود) .

x x x

در " مجمع المعارف و مخزن العوارف " عالم ربانی
 محمد شفیع بن محمد صالح قدس سرهما ، نقل از علامه
 ملا محمد باقر مجلسی رضوان الله علیه ، در بحار الانوار
 تصریح شده است که : " وقتی برای ظهور حضرت قائم
 عجل الله تعالی فرجه معین نشده است ، و بیخبر ظاهر
 میشود ، و هر که تعیین وقت نماید خود را در علم غیب
 با خدا شریک کرده است " .

ولی در همین کتاب ، درست در چند سطر بعد ،
 آمده است که : آن جناب ولایت مآب در سال طاق از
 هجرت ، در روز جمعه نوروز عجم که مصادف خواهد بود

با دهم محرم ، بصورت جوانی کامل ، چهل ساله یا کمتر ،
با عمامه زرد بر سر و نعلین رسول الله بر پا و عصای
آن جناب در دست ، با بزی چند در پیش داخل مکه معظمه
شوند و همان شب ظهور فرمایند (متسنن حدیث
در صفحه ۶۴۴) .

و در همین باره در " مفاتیح الجنان " اثر
بزرگ دیگر شیعه ، آمده است که : روز بیست و پنجم
ذی القعدة روز دحو الارض است ، و آن شبی است که تمامی
زمین از زیر خانه کعبه بر روی آب پهن شد ، و حضرت
رضا علیه السلام فرمود که حضرت ابراهیم علیه السلام
و حضرت عیسی علیه السلام در این روز متولد شده اند ، و
حضرت قائم در این روز قیام خواهد فرمود . (متسنن
حدیث در صفحه ۸۵۴) .

و در باره محل ظهور آن حضرت نیز ، با آنکه
در بحار الانوار و مجمع المعارف و کتب معتبره دیگر خانه
کعبه تصریح شده است ، " ابوالشیخ اصفهانی " محدث
مشهور ، در کتاب " عوالی " از عبدالله بن عمر نقل
میگند که " حضرت رسول الله صلی الله علیه و آله
فرمود که مهدی موعود در قریه ای ظهور خواهد کرد که
نامش کرعه است . " (نقل از کتاب معصوم چهاردهم
حجه بن الحسن ، تألیف جواد فاضل) ، و روایات
" معتبر " دیگری نیز وجود دارد که در آنها محل
ظهور امام غایب ، بیت المقدس و کوفه و طالقان تعیین
شده است .

x x x

در " نهج الفصاحه " مجموعه سخنان حضرت محمد ،
مستخرج از احادیث مشترک معتبرترین کتابهای حدیث
عالم تشیع و تسنن (کافی و سایر کتب اربعه و صحاح

سته) از حضرت رسول روایت شده است که : " ساختمان بهشت خستی از نقره و خستی از طلا است ، و گل آن مشک اذفر است ، و سنگریزه اش لؤلؤ و یاقوت است " .
 ولی در همین مجموعه ، حدیثی دیگر از حضرت رسول نقل شده است که : " خداوند بهشت را سفید آفریده است ، و سفیدی از همه رنگها پیش خدا محبوبتر است " .
 روشن نشده است که ترکیبی از طلا و نقره و مشک اذفر و لؤلؤ و یاقوت ، با اضافه درختان فراوان ، با اضافه " مسندهائی با استبرق سبز " که در قرآن به آنها اشاره شده است ، چطور ممکن است سفید از کار در بیاید ؟

x x x

علامه شیخ بهائی ، فقیه و عالم و محدث بزرگ ، در " جامع عباسی " مینویسد : " در حدیث است از حضرت رسول اکرم صلی الله علیه وآله وسلم ، که گوشت ماهی بدن را میریزاند و بسیار مضر است (متن حدیث در صفحه ۷۴۲) . ولی شاگرد بزرگوار همین استاد ، علامه محمد باقر مجلسی ، رضوان الله علیه ، در بحار الانوار و در حلیه المتقین تصریح میکند که : " حضرت صادق علیه السلام فرمود که حضرت رسول صلی الله علیه وآله چون ماهی تناول میفرمودند میگفتند : خداوند ابرکت داده برای ما در این ماهی ، و نیز به سند معتبر از حضرت موسی بن جعفر (ع) منقول است که بر شما باد خوردن ماهی که اگر بی نان بخورید کافی است و اگر با نان بخورید گوارا است . "

x x x

در مفاتیح الجنان اثر بسیار معروف مکتوب

فیضیه، تصریح شده است که " ... و از آنچه قباح است دارد و معصیت است هرکلامی است که شعر باشد، اگرچه مهیج شهوات نفسانی و لهو یا هجو و هتک عرض نباشد. چنانکه در حدیث معتبر از حضرت رسول اکرم منقول است که " لان یمتلی المرء قیحاً خیر من ان یمتلی شیئاً " (شکم کسی پر از چرک باشد بهتر از آن است که پر از شعر باشد. البته راوی این حدیث معتبر توضیح نداده است که چگونه شکم کسی میتواند پیرا ز شعر باشد!) و نیز از آن حضرت منقول است که " لما نشأت بغضت الی الاوتان و بغضت الی الشعر " (وقتی که بزرگ شدم بپشیمانیا را منفور داشتم و از شعر نیز متنفر بودم). و باز «حضرت رسول صلی الله علیه وآله فرمود که هر که یک شعر بخواند در شب یا روز جمعه، مطلقاً بهره‌ای از ثواب آن شب و روز نداشته باشد و نمازش مقبول نگردد. (متن احادیث در صفحه ۷۷۹).

و علامه مجلسی در " عین الحیوة " مینویسد: " به سند معتبر از حضرت رسول اکرم منقول است که اگر کسی در مسجد شعر میخواند بگوئید به او خدا دهند ترا بشکند " و علامه شیخ بهائی، در " جامع عباسی " در زمره اوامر و نواهی فقهی، تصریح کرده است که " از زمره آنچه برای روزه دار مکروه است شعر خواندن است، اگرچه مدح حضرات مقدسات باشد " و: " اگر مرد زیاده بر چهار بیت شعر باطل بخواند نجس میشود و سنت است که وضو سازد " . (متن احکام در صفحه ۶۸۵).

و در " کافی " روایت است از امام جعفر صادق که " فرمود از گفتن بسم الله فروگذار نکنید حتی اگر در دنبال آن شعری باشد " (متن حدیث در صفحه ۷۷۶).

و باز در مفاتیح الحنان از امام جعفر صادق " به حدیث صحیح " منقول است که مکروه است روایت شعر برای آدم روزه‌دار و در روز جمعه و در شبها ، هر چند هم که شعر حق باشد (متن حدیث در صفحه ۷۷۶) . و در توضیح المسائل آیه الله العظمی حینی آمده است که " مکروه است خواندن شعر در مسجد ، اگر تصحیح و مانند آن باشد " (مسئله ۹۱۴) ، و این روایت بسیار جالب نیز در بحار الانوار و مفاتیح الحنان و کتب متعدد دیگر آمده است که : " حضرت امام جواد علیه السلام از حضرت رسول الله صلی الله علیه و آله نقل فرمود که عبادت فقط ذکر حضرت علی علیه السلام است ، و از علامات منافقان است بجای ذکر او نقل کردن قصه ها و اشعار باطل ، از قبیل افسانه های محسوس و شاهنامه " (متن حدیث در صفحه ۷۷۶) ، و توجه داشته باشید که بگفته محدثین بزرگوار حضرت رسول اکرم چهار قرن قبل از سووده شدن شاهنامه این مطلب را فرموده اند ، و حضرت امام محمد تقی نیز دو قرن و نیم پیش از آن ، این حدیث را نقل قول فرموده اند . ولی با وجود همه این احادیث معتبر ، حقه الاسلام و المسلمین علی خامنه‌ای رئیس جمهوری اسلامی در " سیره ائمه " خود مینویسد : " یکی از شورانگیزترین مباحث زندگی ائمه علیهم السلام بحث در برخورد آن بزرگواران با سررشته داران فکر و فرهنگ در جامعه اسلامی یعنی علما و شعرا است که فکر و جهت ذهنی مردم را هدایت میکردند . "

و نیز در دیدار با جمعیت اسلامی شعرای خوزستان (۲۵ دی ۱۳۶۱) میگوید : " شما باید برای ملت و این انقلاب و برای قرآن شعر بگوئید ، زبان شعر هیچ ملتی مانند زبان شعر عرب گشوده و گسترده نیست (قضاوت بیفرضانه ای از جانب رئیس جمهوری ایران در باره

سعر باری!) و در طول تاریخ دارای نقش شگفت آوری در مسائل مهم اجتماعی و تاریخی و اعتقادی و سیاسی بوده است.

و علامه کاشف العطاء در " اصل الشیعه " مینویسد: " شریف ابوالحسن علی الحمائی فرزند محمد بن جعفر بن محمد بن شریف بن زید بن علی بن الحسین امام زین العابدین علیه السلام ، با تفاخر میگفت: من شاعرم ، و پدرم هم شاعر بود، و جدم هم شاعر بود" ، و مجله نهمین انقلاب اسلامی (۲۵ شهریور ۱۳۶۱) اطلاع میدهد که: " از کارهای عمده حضرت امام باقر، نشر ادبیات و اشعار انقلابی بود "

علامه بزرگوار ، آیت الله عبدالحسین امینی در مبحثی بنام " مقام شعر و شعرا در نزد ائمه هدی " مینویسد: " دعوت روحی که به وسیله شعر انجام میگرفت از تأیید قرآن و حدیث هم برخوردار بود و در زمان ائمه ظاهری نیز چون زمان رسول خدا برقرار بود و مردم مجتمع آنروز از شعر و شعرای اهل بیت قلوبشان مسخر میشد. شعرا پیوسته از نقاط دور به خدمت ائمه علیهما السلام مشرف میشدند و مورد تفقد و اکرام ایشان واقع میگشتند، بحدی که برپا نمودن مجلس شعر در مکتب اهل بیت جزو طاعات شمرده میشد و گاهی بر بزرگترین اعمال عبادتی و مستحبیه مقدم میشد، چنانکه وقتی کمیت شاعر عرب شعر " هاشمیات " خود را در مدح حضرت امام صادق علیه السلام خواند حضرت در باره اش دعا فرمود و هزار دینار و یکدست خلعت به او مرحمت نمود". (نقل از سلسله مقالات آیه الله امینی در روزنامه اطلاعات ، ۱۶ دیماه ۱۳۶۱) .

و همین آیت الله مینویسد که " شیخ عظیم الشان و بزرگوار ما مرحوم کلینی که بیست سال از عمر شریف

خود را در راه تألیف کتاب " کافی " صرف نمود ، کتاب اشعاری گردآورده است ، و عیاشی عالم بزرگی که دارای کتب بسیاری است در فقه شیعه کتابی هم بنام معاریض الشعرا دارد ، و مرحوم شیخ صدوق آن جانباخته احیای فقه و حدیث دارای کتاب شعری است ، و نیز سرور طایفه ، سید حلیل القدر مرحوم سید مرتضی علم الهدی دارای دیوان مفصل شعری است^(۱) (مخفی نماند که در کتب هر کدام از خود این بزرگواران ، چندین حدیث معتبر در مذمت شعر از قول رسول اکرم و ائمه نقل شده است) . در همین زمینه ، به سه حدیث ذیل نیز ، که گذشته از ارزش خاص مذهبی و معنوی ، نشانی از وسعت اطلاعات اعظم محدثین ، " علامه ها " و " بحر العلوم " های عالیقدر ، در مسائل فرهنگی و ملی است ، توجه فرمائید :

- امام محمد تقی از پیغمبر روایت کند که یاد کردن علی بن ابیطالب عبادت است و شنیدن قصه های دروغ و افسانه های مجوس علامت منافقان است . و مدح گبرکان خواندن بدعت و ضلالت است ، و حکایات بی اصل در حقیق رستم و سرخاب (!) و اسفندیار و کاووس و زال و غیره رد باشد بر شجاعت و فضل امیرالمؤمنین علیه السلام . (نقل از مثالب النواصب من نقض بعضی فضایح الروافض ، معروف به النقض ، از نصیرالدین ابوالرشد رازی)

۱- ظاهراً در قرآن آمده است که : " والشعراء يتبعهم الغاؤون " (از شعرا مردم گمراه پیروی کنند) و " يقولون ائنا لتارکوا الهتنا لشاعر مجنون " (آیا برای خاطر شاعر دیوانه ای دست از خدایان خود برداریم ؟) و " ما علمناه الشعر وما ينبغي له ان هو الا ذکر وقرآن مبین " (و ما به او (محمد) شعر نیا موختیم ، و سزاوار او نیست مگر ذکر و قرآنی آشکار) .

- بدترین روایتها روایت دروغ است ، بلکه
قصه‌های راستی هم که لغو و باطل باشد مانند شاهنامه
و غیر آن از قصه‌های مجوس و کفار ، که حضرت امام جعفر
صادق آنرا نهی فرموده‌اند ، و بعضی از علما گفته‌اند
که حرام است (علامه مجلسی در عین الحیوة) .

به دو فتوای هماهنگ شرعی (!) از جانب دو مقام
اعلای قضای اسلامی در جمهوری " ولایت فقیه " نیز توجه
فرمائید :

- " در فقه شیعه ، حکمی که حاکم شرع میدهد
بمانند حکمی است که از طرف حضرت امام عصر عجل الله
تعالی فرجه و ولی امر صادر شده باشد ، و این حکم
قابل نقض نیست . "

حجة الاسلام مرتضی مقتدانی عضو
شورای عالی قضات جمهوری اسلامی
(نقل از روزنامه اطلاعات ،
۱۹ مهر ۱۳۶۱)

- " اگر از راه شرعی ثابت شود که کسی شیعه
دوازده امامی بوده است و بدین سبب زکوة بگیرد ،
و بعداً زکوة تلف شود و شرعاً ثابت شود که آن شخص
شیعه نبوده است ، لازم نیست دوباره زکوة بدهد . "
(آیه الله خمینی ، توضیح المسائل)

x x x

یکدسته دیگر از احادیث معتبر " ، همانطور که
در صفحه ۳۲۸ تذکر داده شد ، احادیثی است که نه فقط
با احادیث دیگر متناقض است ، بلکه با نص صریح آیات
و احکام قرآنی تباین دارد . نمونه های ذیل فقط چند
مورد انگشت شمار از آنهاست :

در قرآن ، بکرات تصریح شده است که : " اجل

هرکس در لوح الهی بوقت معین ثبت است " (سوره، آل عمران، آیه ۱۴۵) ، و : " چون اجل کسی فرارسد ساعتی مقدم و مؤخر نشود " (سوره اعراف، آیه ۳۴ - سوره بونس، آیه ۴۹) ، و : " اجل هیچکسی زودتر و دیرتر نخواهد شد " (سوره حجر، آیه ۵ - سوره مؤمنون، آیه ۴۳) ، و : " چون اجل الهی فرارسد، وقت آن به تأخیر نیفتد " (سوره نوح، آیه ۴) ، و : " کسی عمر دراز یا کوتاه نکند مگر آنکه قبلا در لوح محفوظ ثبت شده باشد " (سوره فاطر، آیه ۱۱)

با وجود این، طبق حدیث معتبر کافی " سیدین طاوس به سند معتبر از جمیل بن دراج روایت کند که مردی بخدمت امام جعفر صادق آمد و گفت : ای مولای من، منم بالا رفته است و خویشتانم مرده اند و موسی ندارم، و میترسم که مرگ مرا نیز دریابد. فرمود که اگر درازی عمر برای خود و حتی خویشتان و دوستان خود خواهی، این دعا را بعد از هر نماز بخوان، و اگر خواهی یک یک از دوستان خود را نیز برای طول عمر نام ببر. و آن مرد گفت بخدا سوگند که چون بر این دعا مداومت کردم چندان عمریافتام که از زندگانی ملول شده ام." (متن حدیث در صفحه ۶۲۴) ، و : " از حضرت رسول الله منقول است که هر که بخواند اجلس بناخیر بیفتد، پس بگوید سه مرتبه در شب و سه مرتبه در وقت صبح این دعا را " (متن حدیث در صفحه ۶۱۹) .

x x x

در باره نری یا ماده بودن فرزندی که باید بدنیآ آید، آیات صریح قرآن حاکی است که : " اوست (خداوند) که شما را در رحم های مادرانتان بهر شکل که خواهد

در آورد" (سوره آل عمران ، آیه ۶) ، و : " آنچه زنان بارگیرند و بزایند جز به علم و اراده او نخواهد بود" (سوره فاطر ، آیه ۱۱) ، و توضیحات روشن دیگری که در باره تکوین جنین در سوره حج (آیه ۵) و سوره مؤمنون (آیه های ۱۲ تا ۱۴) داده شده است .

این حدیث معروف نیز از رسول اکرم چه در کسب اربعه شعبه و چه در صحاح سنه سنی نقل شده است که :
" خداوند به تکمیل مادر هرکس ملکی گماشته است که گوید :
خدایا ، اکنون نطفه است ، اکنون علعه است ، اکنون مصغه است . و وقتی که خلقت او به اراده خدا تکمیل شود ، میبرد : خدایا ، نر باشد یا ماده ؟ و روزی و عمر او چه باشد ؟ و آنرا چنانکه خدا خواسته باشد رقم میزند " .

با این وجود ، علامه مجلسی قدس الله نفسه ، در بحار الانوار جنین نقل میکند :

" - در روایت معتبر است که شخصی بنزد حضرت امام جعفر صادق آمد و گفت : یا ابن رسول الله ، هشت دختر بهم رسانیده ام و روی پسر تا حال ندیده ام . حضرت فرمود : برو و در میان دو پای زنت بنشین و دست راست خود را بر جانب راست ناف او بگذار و هفت نوبت انا انزلناه بخوان و بعد با او جماع کن ، و چون اثر حمل در وی ظاهر شود پس در سبها دست راست خود را بر جانب راست ناف زنت بگذار و باز هفت نوبت انا انزلناه بخوان . آن مرد گفت چنین کردم و هفت پسر در پی هم یافتم . " (متن حدیث در صفحه ۶۵۸) .

و باین ترتیب بر مؤمنین روشن شده است که کسی که در میان پای زنت بنشیند و دست راست خود را بر جانب راست ناف او بگذارد و انا انزلناه بخواند و جماع کند ، اراده اش از اراده خداوند دست کم نمیآورد ، بلکه

سرنوشت‌ساز " هم میتواند بود .

ولی ظاهراً تعداد اندکی از مؤمنین تاکنون بسا
این حدیث معتبر آشنا شده‌اند، زیرا در غیر این صورت
با علاقه خاصی که هر مؤمن به داشتن فرزند سر دارد،
همه آنها میان دو پای زینار منشیید و دست برحایت
راس‌ناف او می‌گذاسند و جماع می‌کردند و کم‌کم سل
دحر در میان امت شیعه منفرض میشد .

x x x

در قرآن آمده است که : " ان انکرا لاصوات لاصوت
الحمیر " (سوره لقمان ، آیه ۱۹) ، وهمه محدثان
بزرگوار میدانند که این مطلب در قرآن کریم با حنیه
تأسد از زبان لقمان نقل شده است .

با این وجود ، ثقة الاسلام کلینی در " اصول کافی "
نقل میکند که : " احمد بن محمد الکوفی از علی بن
الحسن ، و او از علی بن اسباط ، و او از عم خود
یعقوب بن سالم ، و او از ابی بکر الحضرمی ، روایت
دارد که گفت : از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام
پرسیدم در باره این گفته خدای عزوجل که فرموده
است : نا حوش ترین صداها بانگ خران است . فرمود :
به ، عظه قبیح است " . (متن حدیث در صفحه ۷۷۰) .
مفهوم صریح حدیث این است که حضرت امام جعفر صادق
با کمال راحتی گفته خداوند را در قرآن تصحیح
فرموده‌اند تا آنرا " تبدیل به احسن " کرده باشند .
ولی هیچکس از حجة الاسلام ها و حجج الاسلام والمسلمین ،
اعلی الله کلماتهما ، در طول بیش از ده قرن کسبه از
تألف کتاب " کافی " میگذرد ، بروی خود نیاورده‌اند
که اگر حضرت صادق ، چه شرعاً و چه منطفاً نمیتوانسته

است جس حرفی را سزند، پس احتمالاً این نفعه السلام
کلینی و یاسر راویان بزرگوار حدیث بوده‌اند که صدای
الاع را از عظه قبیح بیشتر می‌سندیده‌اند، و در نتیجه
با نقل این حدیث موق مؤمنین را در مخمصه بزرگی
انداخته‌اند.

x x x

در قرآن آمده است که : " این اسماحکام حج ،
و هر کس اموری را که خداوند بر آن حرمت نهاده بسزرگ
شمارد مقامش نزد خدا بیشتر خواهد بود " (سوره حج ،
آیه ۳۵) .

و هر مسلمان میدانند که حج یکی از فرائض اصلی
اسلام است ، و اهمیتی معادل نماز و روزه و خمس و زکاة
دارد . زیارت حج زیارت خانه خدا است ، و زیارت امام
یا امامزاده زیارت بنده خدا ، و طبعاً زیارت بنده
خدا ، آنهم بصورت مستحب ، هر قدر هم مأجور باشد
نمی‌تواند جایگزین زیارت خدا ، که یک فرضه دینی است
گردد ، چه برسد بآنکه ارزشی " هزار هزار " برابر
آن داشته باشد .

با این وصف حدیثهای " معشر " محدثان شیعه ،
به صراحت حاکی است که :

" - از حضرت امام صادق منقول است که ثواب یک
زیارت امام حسین برابر ثواب جهاد یا هزار اسب مسلح
است ، یا اضافه ثواب هزار غزوه از غزوات اسلام ، یا اضافه
اجر صد هزار شهید از شهدای جنگ بدر ، یا اضافه مرافقت
محمد مصطفی ، یا اضافه ضمانت علی مرتضی که آن شخص
به بهشت برود (!) ، و بر هر قدمی از آن ثواب یک حج
وارد شده است " . (متن حدیث در صفحه ۶۲۹) .

و : " - بزنتی علیه رحمه الله علیه تحمناً ماهای را خوانده بود به خط شریف حضرت امام رضا ، کسه : برسان به شعبان من که یکبار زیارت من برابر هزار حج و هزار عمره محسوب است . با تعجب پرسید که : هزار حج ؟ فرمود : نه ، بلکه هزار هزار حج ، و بدرستی که من و بدرانم تعهد داریم که شفع جبین کسی با قسم در روز قیامت ، هر چند گناهان او برابر باشد با همه گناهان جن و انس " (متن حدیث در صفحه ۶۳۰) .

(توضیح آنکه نه تنها محدثان عالیقدر ، اعلی الله مقامهم اجمعین ، چنانکه قبلاً نیز گفته شد ، به این رقم " هزار هزار " علاقه خاص داشته اند ، بلکه " علی الاحوط " ائمه اطهار را نیز در این علاقه شریک کرده اند . از طرف دیگر طبق حدیث موثق فوق ، ظاهراً حضرت امام رضا با پدرشان حضرت امام موسی کاظم درباره ارزیابی ثواب این زیارت توافق نظر نداشته اند ، زیرا در همان کتاب " مفاتیح الجنان " که این حدیث را از حضرت رضا آورده ، از حضرت امام موسی بن جعفر روایت شده است که : زیارت قبر پسر علی بن موسی الرضا نزد خداوند برابر هفتاد هزار حج مقبول است . (متن حدیث اخیر در صفحه ۶۳۰) .

و : " - ... وارد شده است که نماز کردن در مشهد حضرت رضا هر رکعتی معادل هزار حج باضافه هزار عمره است ، باضافه هزار بنده که آزاد کند ، باضافه هزار جنگ که در راه خدایتعالی کند آنهم با حضور پیغمبر مرسل . و حضرت علی بن موسی خطاباً احمد بزنتی فرمودند هرکس که در روز عید غدیر قبر جدم حضرت امیرالمؤمنین را زیارت کند فی الفور گناهان شصت ساله او بخشیده شود . " (متن حدیث در صفحه ۶۲۹) .
(محدث بزرگوار ، رضی الله عنه ، از طرف حضرت

رضا آجاره فرموده‌اند که مؤمن تا شصت سال اول عمر
در هر فسق و فجوری مختار باشد، بشرط آنکه در روز عید
غدیر شصت و یکمین سال از زیارت نجف غافل نماند .
البته مؤمن نیز ایشان را در مقابل این راهنمایی
از دعای حیر فراموش نخواهند کرد !

x x x

در قرآن کریم فقط از یک معراج حضرت محمد سخن
رفته است (سوره نجم، آیه های ۱ تا ۱۸)، ولی روایت
ثقة السلام کلینی در " اصول کافی " حاکی است که: "علی
بن ابی حمزه گفت که ابویصر از حضرت امام جعفر صادق
پرسید - و من در آنجا حاضر بودم، که : قربانست،
پیغمبر صلی الله علیه وآله را چند مرتبه به معراج
بردند؟ فرمود دو مرتبه " . (متن حدیث در صفحه
۵۱۲) .

و در بحار الانوار علامه مجلسی ، از همین امام
جعفر صادق روایت شده است که : فرمود " رسول خدا
صلی الله علیه وآله را صد و بیست معراج واقع شد " .
(متن حدیث در صفحه ۵۱۲ ، البته تفاوت جزئی
است !)

x x x

از آیات قرآن است که :
" کافران میگویند چرا خداوند بر محمد آیت و
معجزه‌ای نفرستاد؟ بدانان بگو که تنها وظیفه‌ای که
تو داری ، ارشاد آنها و هشیار کردن آنهاست . " (سوره
رعد، آیه ۷) .
" گفتند چرا معجزه‌ای از جانب خداوند بر او

فرود نمیآید؟" (سوره رعد، آیه ۲۷).

"و گفتند چرا معجزاتی از جانب خداوند بنما و فرود نمیآید؟ آیا برای آنها کافی نیست این کتابی (فرآن) که ما برایشان فرستادیم؟" (سوره عنکبوت، آیه های ۵۰ و ۵۱).

"و میگویند چرا بر محمد معجزه‌ای از خداوند فرود نمیآید؟ به آنان بگو که علم غیب تنها خدای را است." (سوره یونس، آیه ۲۰).

مفاهیم همه این آیات، از ابتدا صریح و روشن بوده است. ولی علمای بزرگوار شرع مبین هیچوقت بآن "رضایت نداده‌اند"، زیرا برای تلقی قرآن به عنوان اعجاز واقعی محمد، برخورداری از سطح معینی از ادراک و منطق و معنویت لازم بوده است که اگرهم بفرض خود آنها از آن برخوردار بوده‌اند، برای جماعت "مقلد" مفهومی نداشته است، و آنها معجزات قابل لمس‌تر و روشن‌تری را میخواستند که "عالم ربانی، علامه قدسی، شیخ مفید اعلی الله مقامه" ملقب به ابن المعلم، در رساله معروف خود "النکت الاعتقادیه" که اساس عقیدتی مکتب اثنی عشری خواننده شده است، در فصل "بیان عقاید مذهب امامیه اثنی عشریه" آنها را بصورت "نالۀ درخت خرما، و جوشیدن آب از میان انگشتان آن حضرت، و شکایت شتر، و سلام آهو، و سخن گفتن بزغالۀ مسموم بر زبان، و عرض حال گرگ، و التماس سوسمار، و ذراع زهرآگین، و مهر زدن بر سنگ و مانند آنها" نقل میکند.

و در همین مورد، حضرت آیه الله الاعظم موسوی خمینی، حفظه الله تعالی، در کتاب کشف الاسرار (صفحه ۱۲۱) نوشته‌اند: "علامه بزرگوار مجلسی، در کتاب "حق الیقین" میگوید که معجزات حضرت رسالت پناهی

را نمیتوان احصاء کرد ، و من زیاده از هزار معجزه از او در سایر کتب ایراد کرده‌ام ."

(عبدالله مستوفی ، مورخ و محقق شوخ طبع دوران متأخر ، داستانی را بدین مضمون نقل کرده است که : یکی از صاحب نظران تهرانی بدیدار دوست اصفهانی خود بدان شهر رفت که از مؤمنان دو آسنه بود ، و اسفاد را سخ به کرامات مرحوم آقا نحفی محنهد معروف داشت ، که از حمله آنها جفت شدن خود بخود کفش در پیش پای ایشان بود ، چون مهمان تهرانی در این باره اظهار تردید میکرد ، قرار شد موضوع را از خود " آقا " بپرسند ، و چون پرسیدند ، وی در جواب گفت که کرامت مخصوص خاصان است و هرگز کفش پیش پای او جفت نشده است . ولی وقتی که آن دو از نزد " آقا " باز گشتند ، مؤمن اصفهانی که سخت دلخور شده بود ، با لهجه معروف اصفهانی گفت : " آقا " غلط کرده اند ، خودشان نمیفهمند که کفش پیش پایشان جفت میشود !)

x x x

با آنکه در قرآن تصریح شده است که : " ان اکرمکم عندالله اتقیکم " ، و از این بابت هیچ فرقی میان عرب و عجم گذاشته نشده است ، بسیاری از محدثان بزرگوار ، بتصور آنکه دشمنی با عجم ، ولو خودشان از آن باشند ، مستلزم قربت بیشتر بدرگاه الهی ، و بهر حال موجب کسب عنوان و شاخصیت بیشتری است ، ترجیح داده اند که گفته قرآن را با نقل احادیث " معتبری " از زبان پیغمبر او و اهل بیت نبوت او ، در این مسیر اصلاح کنند : " از حضرت رسول اکرم منقول است که امت من با خیر و نعمت باشند مادام که لباس عجمان را

نبوشتند و طعامهای عجمان را نخورند ، که اگر جیبش
کنند خدا ایشان را ذلیل گردانند . " ، و ؛ " ار فصل
بن مونس منقول است که حضرت امام موسی کاظم بمنزل
من آمدند ، و چون طعام حاضر شد دستمال آوردم که در
دامن ایشان بیدازم ، قبول نکردند و فرمودند کدایی
طریقه عجمان است " .

و ؛ " از حضرت امام جعفر صادق منقول است که
نان را با کارد میرید که این طریقه عجمان است " .

و ؛ " شخصی به خدمت امام محمد باقر عرض کرد که
شخصی بر فرشی مینشیند که صورتها بر آن نقش شده است ،
فرمود که عجمان میپسندند چنین فرشی را ، و ما آنرا
دشمن میداریم " . (متن حدیثها در صفحه ۵۸۸) .

حضرت آیه الله خمینی نیز ، وقتی که به اظهار
نظرهای تردید آمیزی در باره بعضی از احادیث
جوابگویی میکنند ، نتیجه میگیرند که ؛ " شما که در
این مسائل و حدیثها شک میکنید میخواهید کینه های
دیرینه را از عرب و اولاد پیغمبر عرب بگیریید " .
(کشف الاسرار ، صفحه ۸۹) .

x x x

قسمت بسیار زیادی از احادیث ، آنهایی است که
درست در جهت خلاف حکم روشن قرآن که " لیس للانسان
الاماسعی " (سوره نجم ، آیه ۳۹) . و " ان سعیه سوف
یری " (سوره نجم ، آیه ۴۰) . و " یوم یتذکر
الانسان ماسعی " (سوره النازعات ، آیه ۳۵) ، کسب
مزد و پاداش را از جانب مؤمنین نه مربوط به درجه
کوشش آنها و حاصل تلاش و عملشان ، بلکه وابسته به
خواندن فلان دعا ، گرفتن روزه در فلان روز معین ، فلان

ترتیب آب خوردن و فلان ترتیب نخوردن ، انگشتر در فلان انگشت کردن ، نعلین سیاه یا نعلین زرد پوشیدن ، سیل را فلان طور تابیدن و فلان طور نتابیدن ، ریش را بدست گرفتن و ناله کردن ، دانه خرما را از زمین برداشتن و خوردن ، و غیره و غیره کرده اند ، اینها احادیث همانقدر که مخالف با متون قرآنی است ، احمقانه و زشت و شرم آور نیز هست . ولی اتفاقاً درست نشر همین دسته از احادیث است که همواره مورد علاقه خاص محدثان بزرگوار مکتب فیضیه بوده است ، زیرا پیروی از آنها است که ضامن مراجعه دائم مقلد به مجتهد ، مؤمن به آخوند ، مرید به مراد و وابستگی پایان ناپذیر او بدانان است . درین احادیث ، هیچ وجه تناسبی بین ثواب و پاداش نیست ، همچنانکه هیچ تناسبی بین گناه و کیفر نیز نیست ، گاه همه گناهان مؤمن به آسانی آب خوردن بخشیده میشود و حتی مؤمن بزرگوار چیزی هم از خدا طلبکار میشود ، و گاه نیز بهمین آسانی تمام اجر و ثواب او از بین میرود و با سر به قعر جهنم سرنگون میشود .

چند نمونه از این احادیث " معتبر " ذیلاً بعنوان مثال نقل میشود . ولی برای بررسی بیشتری در این زمینة ، بهتر است به صفحات ۶۰۷ تا ۶۲۷ همین کتاب مراجعه فرمائید :

" حضرت امام باقر علیه السلام فرمود : هرکس بدنال نماز واجب سه بار بگوید " استغفرالله الذی لاله الا هو الحی القيوم " ، خدای عزوجل تمام گناهانش را بیا مرزد اگرچه از زیادی مانند کف دریا باشد ! " (متن حدیث در صفحه ۶۱۶) .

" حضرت امام صادق علیه السلام فرمود : هرکس هنگامیکه به بستر خواب میرود قل هواله بخواند ،

خداوند گناهان گذشته او را تا پنجاه سال بیامرزد" !
(متن حدیث در صفحه ۶۱۵) .

" و نیز حضرت امام جعفر صادق فرمود : هرکس در هر روز بگوید لا اله الا الله حقاً خداوند از او رو برگرداند تا به بهشت رود " (متن حدیث در صفحه ۶۱۱) .

" و نیز از حضرت امام صادق منقول است که : کسی که یکروز از ماه شعبان را روزه بدارد بخدا قسم که بهشت نصیب او است " ! (متن حدیث در صفحه ۸۵۱) ،
" و نیز آن حضرت فرمود که اگر شخصی آب بخورد و هنوز سیر نشده حمد خدا را بگوید ، پس باز بخورد و هنوز سیر نشده از لب بازگیرد و حمد خدا را بگوید ، پس حق تعالی به سبب این بهشت را براو واجب گرداند " .
(متن حدیث در صفحه ۷۴۵) .

" حضرت امام جعفر صادق فرمود که اگر قطره‌ای اشک ترحم برحسین ما بریزی ، خدا جمیع گناهان عمر ترا بیامرزد ، از صغیره و کبیره ، چه کم باشد چه بسیار " (متن حدیث در صفحه ۶۰۶) .

" از حضرت امام رضا علیه السلام منقول است که هر که روز بیست و پنجم ذی القعدة را روزه بدارد ، از برای او مزد عبادت صدساله نوشته شود ، و در روایتی روزه این یکروز معادل روزه هفتاد سال است " .
(متن حدیث در صفحه ۸۰۴) .

" امام جعفر صادق علیه السلام فرمود که هرکس سه بار در شب جمعه یا سینه بخواند ، خداوند در آخرت صد حوری بهشتی به او تزویج نماید " . (متن حدیث در صفحه ۷۹۸) .

برای کسب اجر ، طبق برخی از احادیث معتبر ، علاوه بر خواندن ادعیه یا روزه گرفتن ، انجام کار خاص